فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی

سال هفتم، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۹۸، صفحات ۱۸۹–۱۶۱

بررسی آثار سیاست‌های اعتباری خرد بر روی ضریب جینی در استان‌های نوار شمالی کشور

مرجان دامن‌کشیده

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)

m.damankeshideh@yahoo.com

کامران نوابی زند

کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

kamran.navabi@yahoo.com

امروزه در اکثر کشورها، اعطای اعتبارات خرد، راهکاری مناسب برای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید جهت مقابله با فقر و توانمندسازی افراد در مناطق کم‌درآمد مطرح شده است و برخی کشورها در این زمینه به توفیق‌های چشمگیری دست یافتند. این تحقیق به بررسی تأثیر برخی از متغیرهای کلان اقتصادی نظیر نرخ تورم، نرخ اشتغال، سرانه تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه خانوار و نرخ تسهیلات اعتباری خرد بانکی بر روی ضریب جینی، طی بازه زمانی ۱۳۸۷–۱۳۹۲ در استان‌های نوار شمالی کشور (آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل، گلستان، گیلان، مازندران و خراسان شمالی) در قالب یک مدل به روش پانل دیتا (اثرات ثابت) می‌پردازد. روش تحقیق از نوع علی–همبستگی از دسته تحقیق‌های توصیفی است و بر نقش تسهیلات اعتباری خرد بانکی تأکید ویژه‌ای شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نرخ رشد درآمد سرانه خانوار، نرخ اشتغال و نرخ رشد تسهیلات اعتباری خرد بانکی در سطح استان‌های نوار شمالی کشور تأثیر منفی و معناداری بر روی ضریب جینی داشته است، به عبارتی سبب بهبود توزیع درآمد شده‌اند و نرخ تورم تأثیر مثبت و معنی‌داری بر روی ضریب جینی داشته است که همان افزایش نابرابری درآمد است.

طبقه‌بندی JEL: D31, H81, E24

واژگان کلیدی: تسهیلات اعتباری خرد بانکی، درآمد سرانه خانوار، توزیع درآمد.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۵

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

۱. مقدمه

پدیده نابرابری درآمد نه‌تنها از دلایل عمده فقر به‌ویژه در کشورهای در حال رشد است، بلکه یکی از عوامل کند کننده رشد اقتصادی نیز محسوب می‌شود. از این رو، بحث و قضاوت در خصوص تأثیرات متقابل رشد اقتصادی و توزیع درآمد در کنار گسترش مدل های رشد اهمیت یافته است (نژادعبدالله و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۴۹).

تئوری‌های رایج در اقتصاد نظری حکایت از آن دارند که توزیع نابرابر درآمدها ازجمله عوامل اثرگذار بر کاهش تقاضای کل و بازدارنده رشد اقتصادی است. پشتوانه استدلالی این نظر آن است که تقاضای مصرفی جمعیت پردرآمد جامعه به‌سرعت اشباع می‌شود و حجم بزرگی از تقاضا را ایجاد نمی‌کند. جمعیت کم‌درآمد نیز به علت مشکلات معیشتی متقاضی حجم بزرگی از تقاضا نیست. در این شرایط تنها آن بخش کوچک از طبقه متوسط جامعه است که بیشترین تقاضا را به وجود می‌آورد (نیلی و فرح‌بخش، ۱۳۷۷، ص ۱۲۴).

از عوامل مؤثر بر نحوه توزیع درآمد در اقتصاد کشور می‌توان به عواملی نظیر اشتغال، تورم، رشد اقتصادی، بعد خانوار، درآمد سرانه یک خانوار، اعتبارات خرد، ترکیب و ساختار بازار، کل مالیات دریافتی از هر خانوار، هزینه دولتی و پرداخت‌های انتقالی، بهره‌مندی از امکانات و خدمات عمومی، میزان دسترسی به بازار، میل نهایی به مصرف و پس‌انداز، عوامل مربوط به خصوصیات شخصی افراد (سن، جنس، آموزش و تحصیلات و...) و عوامل مربوط به ساختار اقتصادی-اجتماعی (دولت، رانت‌خواری و ...) اشاره کرد (هوشمند و قاضی، ۱۳۸۷، ص ۱۱) که در قسمت ادبیات موضوع پاره‌ای از آن‌ها را توضیح خواهیم داد. در این مقاله هدف آن است که ضمن تأکید بر نقش تسهیلات اعتباری خرد بانکی بر توزیع درآمد، سایر متغیرهای لحاظ شده در مدل ارائه شده بررسی شود.

نظام اعتبارات خرد یکی از راهکارهای مطرح شده در دو دهه اخیر به منظور تسریع فرآیند سرمایه‌گذاری و تقویت بنیادهای مالی و پس‌انداز در مناطق روستایی و نهایتاً توانمندسازی جوامع روستایی و فقرزدایی از طریق ارتقای بهره‌وری با تأکید بر به‌کارگیری اعتبارات خرد بوده است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

وام‌های کوچک، حساب‌های پس‌انداز و ارائه انواع خدمات مالی و بانکی این باور را در خانواده‌های کم‌درآمد و فقیر ایجاد می‌کند که با دسترسی به این خدمات، درآمد آن‌ها افزایش خواهد یافت و بدین ترتیب آن‌ها می‌توانند در برابر موانع و مشکلات غیرمنتظره از خود محافظت کنند و سطح زندگی کنونی خویش را بهبود بخشند و برای تغذیه، مسکن و آموزش فرزندانشان سرمایه‌گذاری کنند (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۶، ص ۶)

در برنامه اعتبارات خرد، موضوع اشتغال و کاهش فقر اهمیت بسزایی دارد، تخصیص اعتبارات خرد (بانکی و غیربانکی) با سازوکار مشخص برای پدید آوردن یک واحد کسب‌وکار کوچک جدید یا توسعه آن است که در حالت اول، تأمین سرمایه ثابت و در نتیجه پدید آوردن حداقل یک فرصت شغلی برای گرداننده واحد مورد نظر و در حالت دوم، تأمین سرمایه در گردش و کاهش هزینه تولید (به دلیل افزایش امکانات تکنولوژیکی و افزایش کارایی تخصصی) را به دنبال دارد که در کل سبب تقویت سرمایه اجتماعی و اثربخشی بیشتر این برنامه در کاهش محرومیت‌های اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد می‌شود (ازوجی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۵۰).

این مقاله ضمن تأکید ویژه بر نقش اثر تسهیلات اعطایی خرد بانکی، به بررسی تأثیر متغیرهایی نظیر نرخ تورم، نرخ اشتغال، نرخ رشد سرانه تولید ناخالص داخلی، نرخ رشد درآمد سرانه خانوار بر روی شاخص توزیع درآمد (ضریب جینی) می‌پردازد، بر این اساس فرضیه تحقیق عبارت است از:

- تسهیلات اعطایی خرد بانکی، منجر به بهبود توزیع درآمد در استان‌های نوار شمالی کشور می‌شود.

در این مقاله، ابتدا ادبیات نظری و روش‌شناسی موضوع تحقیق بررسی می‌شود که شامل قسمت‌های متعددی است و در قسمت بعد به برآورد مدل پرداخته می‌شود و درنهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادهای مناسب ارائه خواهد شد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

۲. مروری بر ادبیات موضوع

۲-۱. مفهوم نابرابری و توزیع درآمد

در مورد نابرابری تعریف دقیق و مشخصی در علوم اجتماعی وجود ندارد. داهرندورف[1] از متخصصان جامعه‌شناسی به اقسام نابرابری در جامعه اشاره می‌کند که عبارت‌اند از: تفاوت‌های طبیعی قیافه ظاهری، شخصیت، علایق. تفاوت‌های طبیعی هوش، استعداد و نیروی بدنی و درنهایت، تمایز بین موقعیت‌های هم‌ارزش اجتماعی (مثلاً راننده تاکسی، بقال، نجار، آهنگر)؛ اما در اینجا منظور از نابرابری آن است که عده‌ای بیشتر از آنچه که برای جامعه کار می‌کنند، بهره می‌برند و میزان امتیازات و تشویق‌هایی که از یک موقعیت اجتماعی کسب می‌کنند، بسیار بیشتر از اهمیت نقشی است که در آن موقعیت‌ها ایفا می‌کنند و در عوض عده زیادی در مقابل آن نقشی که ایفا می‌کنند امتیاز و حقوقی بسیار کمتر از آنچه که باید دریافت کنند، کسب می‌کنند. از طرفی، توصیف درجه نابرابری موجود بین افراد یک کشور و تشریح چگونگی سهم افراد مختلف یک کشور در درآمد ملی را توزیع درآمد می‌گویند (رفیع‌پور،۱۳۷۸).

نابرابری درآمدی در کشورهای فقیر منجر به بی‌ثباتی سیاسی، جرم و جنایت و مانع از فرآیندهای توسعه اقتصادی و کاهش فقر می‌شود.

۲-۲. بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد

الف. نرخ تورم به دلیل تأثیر بر وضعیت تخصیص و توزیع منابع، توزیع مجدد درآمد و انحراف منابع از تولید به فعالیت‌های دارای رانت توزیع درآمد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نرخ تورم بالا باعث می‌شود تا عاملان اقتصادی به جای افزایش درآمد از طریق بهره‌وری بنگاه در پی کسب رانت‌های ناشی از تورم باشند. سودآوری سرمایه ناشی از وجود شرایط تورمی نه‌تنها بر رفتار عاملان اقتصادی که بر نحوه تخصیص بین زمانی منابع آثار نامطلوبی دارد. در شرایطی که انحصارات و مراکز نفوذ و قدرت وجود داشته باشند و با تورم توأم شوند، سودآوری فعالیت‌ها و

1. Daherndort (1988)

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

مشاغل غیرمولد و فعالیت‌های رانت‌طلبی افزایش می‌یابد؛ بنابراین به جای تخصیص منابع به فعالیت‌های اشتغال‌زا (که می‌تواند نقش مهمی در بهبود توزیع درآمد ایفا کند) منابع به سوی فعالیت‌هایی سرازیر می‌شود که سود کلانی را نصیب افراد خاص می‌کند، در نتیجه توزیع درآمد شرایط بدتری خواهد داشت (دهمرده و شکری، ۱۳۸۹، ص ۱۵۵).

نکته قابل مطرح دیگر این است که یک متغیر نمی‌تواند به‌تنهایی سبب کاهش و یا افزایش نابرابری درآمد شود، به عنوان نمونه تورم برای قشرهای کم‌درآمد نوعی کمک محسوب می‌شود. چرا که غالباً در ترازنامه اقشار کم‌درآمد، میزان بدهی‌ها از درآمد بالاتر بوده و بروز تورم باعث می‌شود که بازپرداخت این بدهی‌ها آسان‌تر صورت پذیرد. البته باید توجه داشت که این امر در هنگامی صحیح است که گروه‌های کم‌درآمد به منابع مالی گسترده‌ای دسترسی داشته باشند که بتوانند از آنجا استقراض کنند و بعد از طریق تورم، قدرت بازپرداخت ایشان افزایش یابد که در این حالت تورم می‌تواند در جهت بهبود توزیع درآمد عمل کند.

ب. انتظار می‌رود افزایش درآمد در گروه‌های با درآمد بالا از کانال پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی و به تبع آن کاهش نابرابری تأثیرگذار باشد. همچنین افزایش سطح درآمد طبقات پایین، تقاضا برای کالاهای ضروری نظیر غذا، پوشاک، مسکن، آموزش و امنیت را که عمدتاً در داخل تولید می‌شود بالا می‌برد و این امر به دنبال خود اشتغال و تولید ملی را افزایش داده و سبب کاهش نابرابری خواهد شد. از اصول مطرح شده در ارتباط با درآمد و نابرابری درآمدی می‌توان به اصل انتقال پیگو–دالتون[1] اشاره کرد که معتقد است انتقال درآمد از فرد فقیر به فرد ثروتمند (یا کمتر فقیر) باعث افزایش نابرابری و انتقال درآمد از فرد ثروتمند به فرد فقیر سبب کاهش نابرابری می‌شود و یا اصل انتقال نزولی را یاد کرد که بر این پایه استوار است: نابرابری نسبت به انتقال درآمد بین افراد کم‌درآمد و اقشار فقیر بیشتر از انتقال درآمد بین افراد پردرآمد و ثروتمند حساس است (جمشیدی و سلیمی‌فر، ۱۳۹۲، ص ۲۵۵).

1. Pigou-Dalton Transfer Principal

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

ج. اعطای اعتبار و وام نیز به طور مستقیم و غیرمستقیم بر اشتغال واحدهای تولیدی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید تأثیر می‌گذارند. در کوتاه‌مدت تزریق وام و اعتبار به‌صورت سرمایه در گردش در جریان تولید کالا و خدمات با فرض ثابت بودن حجم سرمایه، باعث افزایش سطح اشتغال و در بلندمدت با تبدیل جریان وام و اعتبار به سرمایه ثابت تغییرات تکنولوژیکی پدید می‌آید. در صورتی که تغییرات تکنولوژیکی خنثی باشد، یعنی در نسبت نهاده سرمایه به کار تغییری ایجاد نشود، اشتغال ثابت باقی می‌ماند. حال اگر فناوری غیرخنثی باشد، تغییر در اشتغال ایجاد می‌شود؛ بنابراین از جنبه توسعه مالی، آثار مثبت به‌کارگیری صحیح و بهینه جریان وام و اعتبار می‌تواند افزایش سرمایه‌گذاری، تولید، درآمد و اشتغال باشد.

تأمین مالی خرد به عنوان یک ابزار تثبیت‌کننده توسعه مالی و اعطای اعتبارات خرد به طور مستقیم می‌تواند از مشکلات محدودیت اعتباری قشر کم‌درآمد بکاهد. تعریف مؤسسات اعتباری خرد به عنوان مکمل مؤسسات مالی رسمی جهت اعطای وام و اعتبار به خانوارهای کم‌درآمد و فقرا با نرخ پایین‌تر بهره برای امور خوداشتغالی و توانمندسازی آن‌ها در زمینه بهداشت و آموزش و غیره سبب می‌شود تا برای فقرا فرصت دسترسی به دریافت وام از بخش مالی فراهم شود و از این طریق وضعیت توزیع درآمد در جامعه بهبود یابد (بار، ۲۰۰۵)[1]. پتانسیل برنامه‌های تأمین مالی خرد، تنها منوط به افزایش درآمد یا کاهش فقر مستقیم افراد شرکت‌کننده در این برنامه‌ها (منظور گیرندگان وام) نیست. از مزایای دیگر این برنامه‌ها می‌توان به تأثیرپذیری اقتصاد محلی منطقه‌ای که برنامه‌های تأمین مالی خرد در آن اجرا می‌شود نیز اشاره کرد. بایکبوا و گیب نازاروا[2] (۲۰۰۹) در مقاله‌ای نشان دادند تأمین مالی خرد علاوه بر ابزاری مؤثر برای فراهم کردن فرصت اشتغال مولد برای فقرا، سبب افزایش تعداد شرکت‌های خصوصی و به دنبال آن ایجاد اشتغال اضافی نیز شده است. آن‌ها نشان دادند مؤسسات تأمین مالی خرد در ازبکستان با ارائه خدمت به حدود هفتاد هزار مشتری سبب ایجاد شغل اضافی برای دویست هزار نفر دیگر نیز شده‌اند.

1. Barr, M
2. Bikbaeva, G,& Gaibnazarova, M

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

د. یکی دیگر از دلایل نابرابری درآمدی در کشورهای در حال توسعه وجود بازارهای مالی ناقص است. توسعه بازارهای مالی از دو طریق اثر رشد اقتصادی و اثر توزیعی سبب بهبود توزیع درآمد می‌شود. در اثر رشد اقتصادی، سطح درآمد کشور بدون تغییر در توزیع نسبی درآمد افزایش می‌یابد. در اثر توزیعی، توزیع نسبی درآمد بین دهک‌های خانوار تغییر می‌کند در حالی که درآمد متوسط جامعه تغییری نکرده است. کاهش فقر می‌تواند از طریق رشد درآمد نسبی جمعیت، تغییر توزیع درآمد و یا ترکیبی از آن دو اتفاق بیفتد (بورگویگنن،۲۰۰۴)[1]. برخی از مطالعات مانند بانک جهانی (۲۰۰۱)، جلیلیان و کرک پاتریک[2] (۲۰۰۲)، کای و هاموری[3] (۲۰۰۹) استدلال می‌کنند تعمیق مالی منجر به تخصیص کارآمد اعتبار، کاهش ریسک از طریق سرمایه‌گذاری‌های متنوع و دستیابی به اطلاعات مفید از طریق واسطه‌های مالی می‌شود که باعث توسعه اقتصادی و کاهش نابرابری می‌شود. در مقابل بک، کنت و لوین[4] (۲۰۰۴) گرین وود و جوانویچ[5] (۱۹۹۰) اشاره می‌کنند توسعه بازارهای مالی به نفع ثروتمندان است و افراد کم‌درآمد به بازارهای غیررسمی مانند قرض گرفتن از دوستان و خویشاوندان وابسته هستند پس در مراحل اولیه، توسعه مالی منجر به افزایش نابرابری می‌شود. لیکن با افزایش توسعه مالی و ایجاد رشد اقتصادی می‌توان شاهد کاهش نابرابری بود. به عبارتی مؤسسات مالی رسمی به دلیل وجود کژمنشی و مخاطرات اخلاقی از ارائه خدمات مالی به خانوارهای کم‌درآمد که دارای وثیقه یا سابقه اعتباری کافی نیستند خودداری می‌کنند. لذا تأثیر توسعه مالی بر نابرابری مبهم به نظر می‌رسد.

هـ. تغییرات در توزیع درآمدها (اعم از خودانگیخته یا القایی) می‌تواند به نوبه خود بر اشتغال تأثیر بگذارد. اگر کاهش در نابرابری درآمد محرک توسعه اشتغال باشد، می‌تواند به کم شدن پراکندگی درآمدی منتهی شود. از سوی دیگر، اگر کاهش در نابرابری درآمدی منجر به افزایش

1. Bourguignon, F
2. Jalilian, H. & Kirkpatrick, C
3. Kay,H, Hamori,SH
4. Beck, T. Demirgüç-Kunt, A., & Levine, R
5. Greenwood, J & Jovanovic, B

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

بیکاری شود، هر نوع سیاست برابرسازی (کاهش نابرابری توزیع درآمد) فوراً با مشکلات جدی مواجه می‌شود. به طور کلی پذیرفته می‌شود که بین سطح اشتغال و توزیع درآمد رابطه‌ای وجود دارد، با این وجود سمت و سوی این رابطه را نمی‌توان به‌راحتی مشخص کرد، از یک طرف در مورد اثر سطح اشتغال بر توزیع درآمد در هر اقتصاد، این نکته بدیهی است که هر افزایش در بیکاری یا اشتغال ناقص، از طریق افزایش شمار تعداد افراد کم‌درآمد، به تشدید نابرابری توزیع درآمد کمک می‌کند (هوشمند و قاضی، ۱۳۸۷، ص ۱۸).

و. یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها در خصوص تأثیر تولید ناخالص داخلی سرانه[1] بر توزیع درآمد، فرضیه کوزنتس است. فرضیه کوزنتس بیان می‌کند که در مراحل اولیه توسعه، شکاف درآمدی افزایش و در مراحل بالاتر توسعه، نابرابری کاهش می‌یابد (دهمرده و شکری، ۱۳۸۹، ص ۱۵۴).

همچنین برخی اقتصاددانان «نابرابری درآمدها» را شرط لازم برای رشد می شمرند و بعضی دیگر نابرابری را همزاد و همراه رشد می‌دانند، لیکن هر دو در این امر متفق‌اند که در مراحل اولیه رشد نباید سیاست‌های توزیع مجدد درآمد و ثروت اتخاذ شود چرا که این سیاست‌ها به نرخ رشد پایین‌تر می‌انجامد و حاصل آن در سطح کلان چیزی جز توزیع فقر نیست و لذا باید ابتدا رشد اقتصادی را دنبال کرد و در مراحل بعدی توسعه، حاصل رشد را بین فقرا توزیع کرد. به عبارتی، جریان حاصل از رشد اقتصادی به‌تدریج و از طریق یک فرآیند طبیعی از ثروتمندان به فقرا سرریز می‌شود به این معنا که منافع حاصل از رشد ابتدا به ثروتمندان می‌رسد و آنگاه در مرحله بعد وقتی که آن‌ها این منافع را هزینه کنند، فقرا از کانال ثروتمندان از رشد اقتصادی بهره‌مند می‌شوند؛ بدین ترتیب رشد اقتصادی به خودی خود از طریق به‌کارگیری عوامل بازار نابرابری‌های درآمد را رفع می‌سازد.

۱. با تقسیم آمار تولید ناخالص داخلی حساب های ملی ایران به جمعیت ارائه شده از سوی بانک مرکزی به دست آمده است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

۲-۳. اعتبارات خرد و نقش نهادهای مالی در کاهش فقر

اعتبارات خرد به معنای ارائه وام‌هایی با مبلغ کم بدون وثیقه به افراد کم‌درآمد است که این افراد در مدت‌زمان کوتاهی مبلغ یاد شده را بازپرداخت می‌کنند (کریمی کمال‌آباد، ۱۳۹۰، ص ۱۰). کمیته بین‌المللی نظارت بانکی بازل[1] (۲۰۱۰) تأمین مالی خرد را به مفهوم ارائه خدمات مالی در مقادیر محدود به افراد با درآمد پایین یا کسب‌وکارهای کوچک و غیرمتشکل تعریف می‌کند که با رشد فزاینده‌ای توسط انواع مؤسسات مالی به عنوان فعالیت اصلی و یا بخشی از پورتفوی دارایی‌های آن‌ها در حال عرضه است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۲).

بک و همکاران[2] (۲۰۰۷) معتقدند توسعه مالی به دلیل ارائه خدمات مالی در قالب ابزار پرداخت، صرفه‌جویی در امکانات و بیمه و اعتبارات و... به کاهش نابرابری درآمدی کمک کند به عبارتی نرخ رشد درآمد فقرا سریع‌تر از نرخ رشد متوسط درآمد جامعه افزایش می‌یابد اما امکان دسترسی به این خدمات مالی برای تمامی خانوارهای کم‌درآمد و فقرا یکسان نیست. از طرفی سدفیلهو[3] (۲۰۰۴) نیز معتقد است که خانوارهای کم‌درآمد و فقرا از اثرات توسعه مالی بر اقتصاد یعنی افزایش اشتغال، گسترده شدن بازار، درآمد فروش و افزایش دستمزد به طور نامتناسب بهره‌مند می‌شوند. در این شرایط آرمندرایز و مرداک[4] (۲۰۱۰) به نقش مهم اعتبارات خرد (تأمین مالی خرد) اشاره می‌کنند که انواع زیادی از خدمات مالی از قبیل وام‌های بدون وثیقه، سپرده پس‌انداز، بیمه و انتقال پول به خانواده‌های کم‌درآمد را ارائه می‌کنند که برای حمایت از کسب‌وکارهای کوچک است.

مطالعاتی مانند هولم و موسلی[5] (۱۹۹۶)، بک و کنت[6] (۲۰۰۸)، مکنزی و وودراف[1] (۲۰۰۸) نشان داده‌اند که سیستم تأمین مالی خرد اثر قوی‌تری نسبت به توسعه بازارهای مالی رسمی در

1. Basel Committee on Banking Supervision, 2010
2. Beck, *et al*
3. Saad-Filho, A
4. Armendáriz, B & Morduch, J
5. Hulme, D & Mosley, P
6. Beck, T & Demirgüç-Kunt, A

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

بهبود توزیع درآمد دارند. بر اساس استدلال برنجی و نیومن [۲] (۱۹۹۳) ایجاد شغل بر اساس میزان فناوری به کار گرفته شده در سه سطح امرار معاش، خوداشتغالی و کارآفرینی تعریف می‌شود. سطح کارآفرینی که سبب افزایش بهره‌وری در جامعه می‌شود به سرمایه و نیروی کار در مقیاس بزرگ نیازمند است و مؤسسات مالی رسمی وظیفه تأمین مالی آن را بر عهده دارند. در حالی که مؤسسات اعتباری خرد، خانوارها را به سمت فعالیت‌های خوداشتغالی هدایت می‌کنند. آهلین و جیانگ [۳] (۲۰۰۸) نشان داده‌اند تأمین مالی خرد از طریق افزایش سطح دستمزد افراد وضعیت توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد. همچنین با افزایش درآمد، سطح آموزش و سلامتی آن‌ها ارتقا یافته و در نتیجه بهره‌وری نیروی کار افزایش می‌یابد. بر اساس این مدل سهم دریافتی افراد از فعالیت‌های خوداشتغالی با دستمزد دریافتی افرادی که از طریق کارآفرینان جذب شده‌اند تقریباً برابر بوده است. این به معنای افزایش سطح درآمد (فقرا) در هرم درآمدی از پایین به بالا است.

نهادهای سرمایه‌گذاری (مؤسسات تأمین مالی خرد)، برنامه‌های اعطای وام را در قالب دو روش فردی و گروهی اجرا می‌کنند. در برنامه وام‌دهی فردی که به طور معمول توسط مؤسسات تجاری ارائه می‌شود با بررسی وضعیت مالی مشتری و اخذ وثیقه و یا ضامن از وام‌گیرنده به متقاضیان وام اعطا می‌کنند. به نظر می‌رسد این مدل در مناطق شهری که افراد جز فقیرترین افراد نیستند موفق بوده است (برندت و همکاران [۴]، ۲۰۱۲، ص ۲).

در بیشتر کشورهای در حال توسعه در اعطای اعتبارات خرد از روش وام‌دهی گروهی استفاده می‌شود. در این روش وام را به گروهی از وام‌گیرندگان اعطا می‌کنند که همگی نسبت به آن مسئولیت دارند. مؤسسات تأمین مالی خرد ضمن ایجاد کمترین هزینه فرصت، مسئولیت نظارت و غربال کردن افراد را به عهده دارد. در وام‌دهی گروهی، اعضای گروه توانایی یکدیگر را در بازپرداخت وام پوشش داده که این امر موجب کاهش انتخاب نامناسب می‌شود. از طرفی با نظارت

1. McKenzie, D & Woodruff, C
2. Banerjee,A & Newman,A
3. Ahlin,C & Jiang, N
4. Brandt, *et al*,

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

بر یکدیگر سبب کاهش مخاطرات اخلاقی می‌شوند. بر این اساس وام‌دهندگان نیاز ندارند که هزینه فرصت بالایی را پوشش دهند که به طور معمول برای اعطای وام به فقرا تقبل می‌کنند ضمن اینکه می‌توانند نرخ‌های نکول کمی نیز دریافت کنند. بعد از اینکه وام‌گیرندگان، وام‌های قبلی خود را تسویه کردند امکان اخذ وام در آینده امکان‌پذیر است.

تأمین مالی خرد به فقرا این شانس را می‌دهد که با افزایش دادن درآمدشان از طریق فعالیت‌های خوداشتغالی یا سایر فعالیت‌های درآمدزا به رفاه نسبی برسند، البته لازم به تذکر است که بین فعالیت‌های کارآفرینی و خوداشتغالی تفاوت وجود دارد، به عبارتی در فعالیت‌های کارآفرینی نیاز به سرمایه و نیروی کار در مقیاس بزرگی است، در حالی که در فعالیت‌های خوداشتغالی نیاز به سرمایه کم دارد و اصولاً خود شخص وارد می‌شود (آهلین و جیانگ، ۲۰۰۸).

۲-٤. روش‌های تخصیص منابع در تأمین مالی خرد اسلامی در اقتصاد ایران

تمایل مردم به استفاده از سیستم بانکداری اسلامی، به دلیل مشارکت واقعی در سود و زیان فعالیت‌ها، موجب ایجاد تنوع و توسعه شیوه‌های تأمین مالی اسلامی شده. ابزارهای مالی اسلامی به سه گروه عمده تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: الف. ابزارهای مالی غیرانتفاعی که بر اساس قراردادهای وقف و قرض‌الحسنه طراحی شده‌اند.(اوراق قرض‌الحسنه) ب. ابزارهای مالی انتفاعی با نرخ‌های سود معین که بر اساس عقود مبادله‌ای طراحی شده‌اند (اوراق مرابحه، منفعت، اجاره، استصناع) ج. ابزارهای مالی انتفاعی با نرخ‌های سود انتظاری که بر اساس عقود مشارکتی طراحی شده‌اند (اوراق مشارکت، مضاربه، مزارعه و مساقات).

۲-۵. تجارب ایران در کاهش فقر و نابرابری با تأکید بر اعتبارات خرد

از آنجایی که اکثر خانوارهای کم‌درآمد در مناطق روستایی ساکن‌اند، بنابراین اجرای برنامه‌های اعتبارات خرد در این مناطق اهمیت فراوانی پیدا کرده است، زیرا که: ۱. از نظر اقتصادی برای جلوگیری از کاهش میزان تولید روستاییان که بخشی از مواد غذایی مورد نیاز افراد کشور و مواد اولیه صنایع کشور را تأمین می کنند و از محل صدور محصولات آن درآمدهای ارزی نصیب

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

کشور می‌شود، لازم است در تقویت بنیه مالی آن‌ها اقدام لازم به عمل آید. ۲. یکی از علل مهاجرت روستاییان به شهرها عدم سرمایه گذاری در محیط های روستایی است، لذا تأمین اعتبارات و سرمایه می‌تواند در کاهش مهاجرت‌های روستایی مؤثر باشد. ۳. در نواحی روستایی که بیکاری اعم از آشکار و پنهان در سطح وسیعی از اقشار جامعه بخصوص جوانان و زنان روستایی وجود دارد، ضرورت تأمین اعتبارات جهت ایجاد فرصت‌های شغلی برای نیروی کار عظیم و فراوان روستایی کاملاً احساس می‌شود.

همچنین به دلیل انعطاف‌ناپذیری نظام‌های بانکی در نحوه تخصیص و توزیع اعتبارات روستایی، عدم مشارکت بانک‌ها در تأمین اعتبار پروژه‌های روستایی، مشکل تأمین وثیقه و ضامن برای روستاییان و بی‌توجهی به تأمین اعتبارات خرد و سرمایه‌های اندک روستایی، ضرورت ایجاد و نقش مؤسسات مالی خرد در روستاها پررنگ شده است (قدیری و یاری حصار، ۱۳۸۷، ص ۵).

به طور کلی مشخصات برنامه‌های تأمین مالی خرد چنین است: ۱. وام‌ها معمولاً کوتاه‌مدت و عموماً با بازپرداخت های منظم هفتگی یا ماهانه و برای سرمایه در حال گردش هستند، این وام‌ها به محض تصویب پرداخت می‌شوند، به‌ویژه برای کسانی که بخواهند وام‌ها را تکرار کنند. ۲. پیش‌نیازهایی که وام‌دهنده به طور مرسوم به شکل وثیقه‌های فیزیکی—مانند انواع دارایی‌ها—از وام‌گیرنده می‌خواهد، معمولاً با یک سیستم ضمانت جمعی[1] جایگزین می‌شود. ۳. درخواست وام و فرآیند پرداخت‌ها به صورتی طراحی می‌شود که برای وام‌گیرندگان کم‌درآمد مفید واقع شود، یعنی وام‌ها طوری طراحی می‌شوند که درک آن‌ها ساده است، به‌صورت محلی تأمین می‌شود و به‌سرعت در دسترس‌اند (احمدخان، ۲۰۰۸، ص ۶).

در اقتصاد ایران مؤسساتی تحت عنوان مؤسسات تأمین مالی خرد تأسیس نشده است لیکن این شیوه تأمین مالی قبل از انقلاب با مؤسساتی نظیر صندوق‌های روستایی، صندوق‌های تعاونی،

۱. سیستم ضمانت جمعی، سیستمی است که درآن اعضای گروه‌های سیستم به صورت دو طرفه مسئول ضمانت و پرداخت وام به یکدیگر هستند.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

شرکت‌های تعاونی روستایی و... اجرا می‌شد. بعد از پیروز شدن انقلاب نیز مؤسساتی مانند بانک کشاورزی (ایجاد اشتغال و کاهش فقر در روستا)، صندوق‌های قرض‌الحسنه، کمیته امداد امام خمینی (ره) و... این وظیفه را داشتند. افزون بر این موارد، تبصره‌هایی در قوانین بودجه سالانه کشور وجود دارد که هدف‌های آن به طور تقریبی مطابق با هدف‌های تأمین مالی به شیوه خرد است و قانون‌گذار این قوانین را برای حمایت از فعالیت‌های مختلف اقتصادی که موجب افزایش تولید و رفاه خانوار می‌شود وضع کرده است. ازجمله این موارد می‌توان به تبصره ۴ قانون بودجه کل کشور در سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۶ که با هدف تأمین سرمایه در گردش مورد نیاز اعضای تعاونی‌ها و تشکل‌های مرتبط با بخش کشاورزی وضع شده و نیز تبصره ۳ قانون بودجه کل کشور در سال ۱۳۸۲ با هدف تأمین سرمایه در گردش مورد نیاز دستگاه‌های مختلف، تبصره ۲۸ و مانند آن اشاره داشت (خاکی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۵).

۲-۵. پیشینه تحقیق

الف) تحقیقات داخلی

مطالعات متعددی درباره عوامل توزیع درآمد در ایران انجام شده است اما مطالعه‌ای که در مورد اثر اعتبارات خرد باشد می‌تواند به مطالعه حسن‌زاده، ازوجی (۱۳۸۵) اشاره کرد که برای ۲۸ استان کشور و در سال‌های ۸۰ -۸۲ است. از نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به کل تسهیلات به عنوان متغیر جایگزین اعتبارات خرد استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد افزایش اعتبارات خرد منجر به کاهش فقر (افزایش درآمد سرانه) می‌شود لیکن برای این اثرگذاری باید طبقات گوناگون فقر شناسایی شود و این اعتبارات برای ایجاد اشتغال باشد. داوودی و براتی (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای نشان دادند سیاست افزایش اعتبارات بخش خصوصی سبب افزایش نابرابری می‌شود. مطالعه سپهر دوست و زمانی (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که به طور کلی سیاست اعطای تسهیلات اعتباری اثرمثبت و معناداری بر اشتغال داشته است. دیزجی و آهنگری (۱۳۹۴) برای کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نشان دادند که فرضیه کوزنتس برقرار است. همچنین افزایش نهادها و مؤسسات مالی نیز موجب کاهش نابرابری درآمدی می‌شود.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

مطالعات دیگر سایر عوامل مؤثر را بر توزیع درآمد بررسی کرده‌اند. نجفی و یعقوبی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای به بررسی اعتبارات اعطایی در جوامع روستایی برای کاهش فقر پرداخته‌اند. کشاورزان برای تأمین مصارف تولیدی و رفع هزینه‌های تولید از منابع رسمی و غیررسمی وام دریافت کرده‌اند.

ابونوری و مفتح (۱۳۸۹) نشان داده‌اند که تورم و بیکاری بر ضریب جینی در مناطق شهری و روستایی ایران، مثبت و معنی‌دار است. همچنین اثر تورم و بیکاری بر ضریب جینی در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی است. داوودی و خداپرست (۱۳۹۲) اهمیت رشد اقتصادی، ارتقای سطح بهداشت، آموزش و هزینه‌های اجتماعی دولت در بهبود توزیع درآمد را نشان دادند. علیفلی (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر تسهیلات بانکی در بخش کشاورزی بر توزیع درآمد در کشور ایران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۷۰ پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که تسهیلات بانکی و درآمد سرانه اثر مثبت و نرخ تورم اثر منفی بر توزیع درآمد در کشور ایران در دوره مورد مطالعه داشته است.

ب) تحقیقات خارجی

اگورلو، مارتوگلو و تالاسینوس (۲۰۱۲)[1]، با بررسی رابطه بین نابرابری درآمد و نرخ تورم در ۱۳ کشور اروپایی نشان دادند که: رابطه بین تورم و نابرابری مشخص نیست، اما متغیرهای نرخ بیکاری و باز بودن اقتصاد به غیر از GDP سبب افزایش نابرابری درآمد می‌شود. شفیع‌الله و ونکونگ (۲۰۱۳)[2] با استفاده از روش پرسش‌نامه در دو گروه خانوار بنگلادشی دریافت‌کننده اعتبارات و بدون دریافت اعتبارات به بررسی اثر اعتبارات خرد بر کاهش فقر پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد برنامه اعتبارات خرد به بهبود درآمد و وضعیت اقتصادی- اجتماعی زنان و خانوارهای روستایی کمک می‌کند و سبب افزایش مزرعه و دارایی خانوارها می‌شود. به عبارتی رابطه مثبتی بین کاهش فقر و افزایش درآمد و سطح استاندارد زندگی با میزان دسترسی به اعتبارات خرد وجود دارد.

1. Uğurlu, Muratoğlu and Thalassinos, 2012
2. Shofi Ullah Mazumder,M & Wencong, Lu, 2013

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

همچنین سطح فقر کسانی که این اعتبارات را دریافت کرده‌اند کاهش‌یافته ولی در گروهی که اعتبارات دریافت نکرده‌اند تغییری حاصل نشده است. فرهاد ایسرار و علی رحمت (۲۰۱۳)[1]، به بررسی «تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی بر کاهش فقر در پاکستان در سال‌های ۱۹۹۴ – ۲۰۰۵» با استفاده از روش OLS پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که درآمد سرانه، وجوه یا حواله‌های ارسالی خارجی، مخارج توسعه‌ای، تولید ناخالص داخلی و کاهش بیکاری تأثیر معنی‌داری در کاهش فقر دارند. همچنین افزایش تورم و اندازه خانوار سبب تشدید فقر می‌شود. جیانگ، وانگ و دین چین (۲۰۱۵)[2] نشان دادند که رابطه مثبتی بین اعتبارات و درآمد خانوارهای فقیر در ویتنام وجود دارد. اعتبارات رسمی نقش مهم‌تری در مقایسه با اعتبارات غیررسمی در افزایش درآمد سرپرست خانوارهای فقیر دارد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳-۱. روش تحقیق و جامعه آماری

روش تحقیق از نوع علی– همبستگی از دسته تحقیق‌های توصیفی است و همچنین به منظور تطبیق تئوری‌های اقتصادی با واقعیت‌های جامعه، روابط علی بین متغیرها را با استفاده از آمار و ارقام مورد بررسی قرار می‌دهیم. مدل مربوطه به روش پانل دیتا و با استفاده از نرم‌افزار Eviews برآورد خواهد شد. بازه زمانی تحقیق حاضر، سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ (۶ سال) و برای ۷ استان نوار شمالی کشور است. این استان‌ها با توجه قابلیت‌های اقتصادی که شامل مزیت‌های جغرافیایی اقتصادی، تولیدی، زیرساختی و تجاری خدماتی است و میانگین درآمد سرانه خانوار در سطح استانی طی ۶ سال، انتخاب شده‌اند. داده‌های مدل از گزارش‌های مرکز آمار ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی و سالنامه‌های آماری استانی جمع آوری شده است.

1. Israr Fahad & Ali Rehmat, 2013
2. Thi Giang, Guohua Wang, and Dinh Chien, 2015

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

شایان ذکر است که داده‌های پنلی نسبت به داده‌های سری زمانی و مقطعی مزایای بیشتری دارد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: استفاده از داده‌های پانلی مشکل اریبی برآوردهای معادلات مقطعی را از بین می‌برد یا کم می‌کند و باعث می‌شود که برآوردهای نا اریب و سازگار داشته باشیم. داده‌های پانلی امکان بیشتری برای شناسایی و اندازه‌گیری اثراتی را فراهم می‌کند که در داده‌های مقطعی یا سری زمانی قابل شناسایی نیستند. داده‌های مقطعی رفتار بلندمدت را نشان می‌دهند در حالی که داده‌های سری زمانی بر اثرات کوتاه‌مدت تأکید دارند. با ترکیب این دو خصوصیت در داده‌های پانلی می‌توان ساختار عمومی‌تر و پویاتری را تصریح و برآورد کرد. در داده‌های پانلی، تعداد مشاهدات زیاد است، پس تعداد داده‌های در دسترسی نسبت به داده‌های سری زمانی یا داده‌های مقطعی بیشتر است. در نتیجه هم‌خطی بین متغیرها کمتر، درجه آزادی و کارایی بیشتر است. بعد مقطع در داده‌های پانلی موجب اضافه شدن تغییرپذیری یا تنوع بسیار زیاد می‌شود و با این اطلاعات برآوردهای معتبرتری به دست می‌آید، بیشتر بودن تعداد مشاهدات و داده‌ها منجر به برآوردهای کارا می‌شود (نورافشان، ۱۳۹۱، ص ۴).

۳-۲. معرفی مدل

مدل استفاده شده در این تحقیق، بر اساس مقاله فرهاد ایسرار و علی رحمت (۲۰۱۳) است. در این مدل، ضریب جینی پراکسی از توزیع درآمد تابعی از تورم، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه استان‌ها، نرخ رشد درآمد سرانه خانوارها در سطح استانی، نرخ اشتغال در سطح استانی، نرخ رشد اعتبارات خرد بانکی در سطح استانی در نظر گرفته شده است و مدل برآوردی در مقاله به‌صورت زیر است:

$$GGINI_{it}= a_{it} +\beta_{1it} GCREDIT_{it} + \beta_{2it} GPCI_{it} + \beta_{3it} INF_{it} + \beta_{4it}EMP_{it} + \beta_{5it}GSGDP_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

GSGDP: نرخ رشد سرانه تولید ناخالص داخلی استانی (به قیمت ثابت ۱۳۸۳). **EMP**: نرخ اشتغال استانی. **inf**: نرخ تورم سالانه استانی (بر اساس شاخص قیمت مصرف‌کننده به قیمت ثابت ۱۳۸۳). **GPCI**: نرخ رشد درآمد سرانه یک خانوار شهری و روستایی به تفکیک استان‌ها. **GCREDIT**:

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

نرخ رشد تسهیلات خرد اعطایی بانک‌ها به بخش غیردولتی و به تفکیک استانی که شامل مجموع تسهیلات اعطایی[۱] (قرض‌الحسنه، جعاله، سلف، مضاربه، خرید دین، مشارکت مدنی، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک)۱۳ بانک دولتی و خصوصی شده (ملی، سپه، رفاه کارگران، مسکن، کشاورزی، صنعت و معدن، توسعه صادرات، توسعه تعاون، پست بانک، قرض‌الحسنه مهر ایران، ملت، صادرات و تجارت) است. **GGINI**: ضریب جینی که بین ۰ تا ۱۰۰ در نظر گرفته شده است. **a:** عرض از مبدأ. **i:** تعداد استان‌ها. **t:** دوره زمانی (سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲) است.

۳-۳. روند تغییرات ضریب جینی، تسهیلات اعطایی خرد و درآمد سرانه خانوارها در سطح استانی

الف. ضریب جینی

نمودار ۱، ضریب جینی ۷ استان کشور را برای ابتدا و انتهای دوره یعنی سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۲ نشان می‌دهد. در سال ۱۳۸۷ آذربایجان شرقی دارای بیشترین ضریب جینی (۴۰,۵۰) و مازندران دارای کمترین ضریب جینی (۳۷,۷۵) است. در سال ۱۳۹۲، استان گلستان با مقدار ۳۵,۳۵۰ دارای بیشترین نابرابری و اردبیل با مقدار ۲۳,۶۵۰ دارای کمترین نابرابری است. همچنین روند ضریب جینی در طول این سال‌ها نشان می‌دهد که استان اردبیل بیشترین بهبود را در توزیع درآمد داشته است؛ و در کل، روند ضریب جینی این استان‌ها در بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ سیر نزولی داشته است که نشان دهنده بهبود توزیع درآمد است. البته میزان کاهش ضریب جینی در استان‌های یاد شده طی این بازه زمانی به نسبت، به استان‌هایی نظیر بوشهر، یزد، خراسان جنوبی، هرمزگان، کرمان، سیستان و بلوچستان کمتر است.

۱. براساس تأمین مالی خرد اسلامی

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

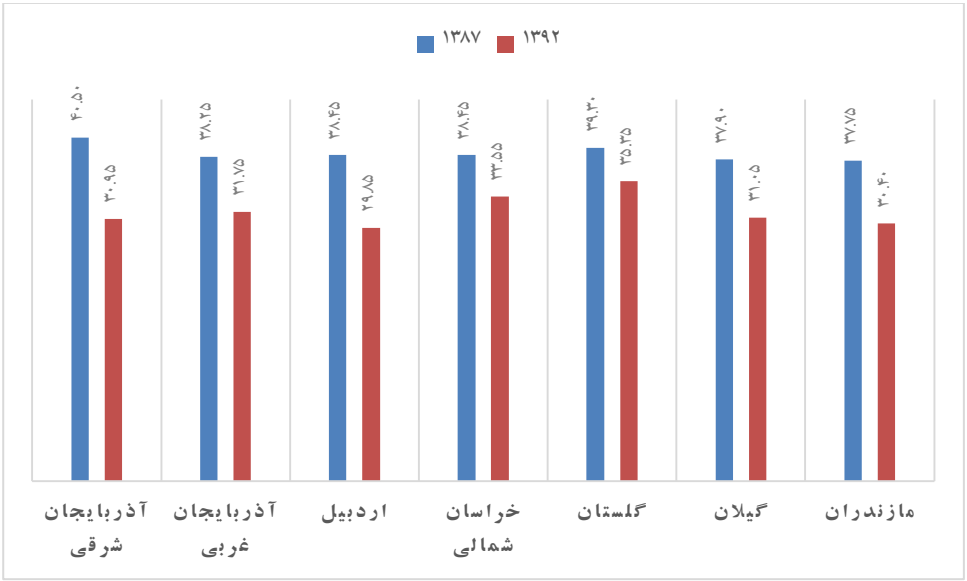

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

نمودار ۱. ضریب جینی

ب. تسهیلات خرد اعطایی بانک‌ها (میلیارد ریال)

نمودار ۲، میانگین مجموع تسهیلات اعطایی بانک‌ها طی ۶ سال را برای ۷ استان نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که استان خراسان شمالی و مازندران به ترتیب دارای کمترین و بیشترین میزان دریافتی تسهیلات بانکی در طی بازه زمانی ۱۳۸۷–۱۳۹۲ را داشته‌اند، اما میانگین تسهیلات اعطایی بانک‌ها در ۶ استان (به غیر مازندران)، به نسبت میانگین تسهیلات بانکی در ۲۳[1] استان دیگر پایین است، شایان ذکر است که میزان تسهیلات بانکی اعطایی در استان مازندران به نسبت استان‌هایی مانند اصفهان، خراسان رضوی، فارس و تهران (استان تهران دارای بالاترین حجم تسهیلات دریافتی بانکی است) بسیار کمتر است.

۱. بوشهر، تهران، خوزستان، فارس، قزوین، قم، کهکیلویه و بویر احمد، یزد، اصفهان، ایلام، چهار محال و بختیاری، خراسان رضوی و جنوبی، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمان، کرمانشاه، مرکزی، لرستان، هرمزگان و همدان.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

نمودار ۳، روند تسهیلات اعطایی خرد بانکی را در بازه زمانی ۱۳۸۷–۱۳۹۲ نشان می‌دهد، همان‌طور که مشاهده می‌شود، استان گیلان، گلستان و آذربایجان غربی تقریباً به یک میزان تسهیلات دریافت کرده‌اند، در صورتی که مازندران و خراسان شمالی به ترتیب بیشترین و کمترین تسهیلات بانکی را دریافت کرده‌اند.

نکته قابل توجه، این است که زمانی که نسبت تسهیلات کم و محدود باشد، تنها بخش محدودی از جامعه می‌توانند از این تسهیلات بهره‌مند شوند و از این رو به دلیل دسترسی محدود به آن بیشتر موجب افزایش نابرابری و فقر در کشور خواهد شد. همچنین بازارهای مالی توسعه نیافته موجود در کشورهای در حال توسعه معمولاً به شکلی است که در آن اعتبارات به شکلی ناعادلانه به نفع افراد ثروتمند توزیع می‌شود و سبب افزایش نابرابری درآمدی شود، بنابراین کارایی نظام پولی و مالی کشور و نحوه مدیریت مالی واحدهای اقتصادی موجود شرط لازم و کافی برای دستیابی به این آثار مثبت اقتصادی است که در صورت نبود کارایی در این فرآیند، چه در بخش اعطای اعتبارات و چه در بخش مصارف، اعتبارات ممکن است نه‌تنها اثرات مطلوب و مورد انتظار را به همراه نیاورد بلکه آثار منفی نیز به دنبال داشته باشد (بختیاری و پاسبان، ۱۳۸۳، ص ۷۷).

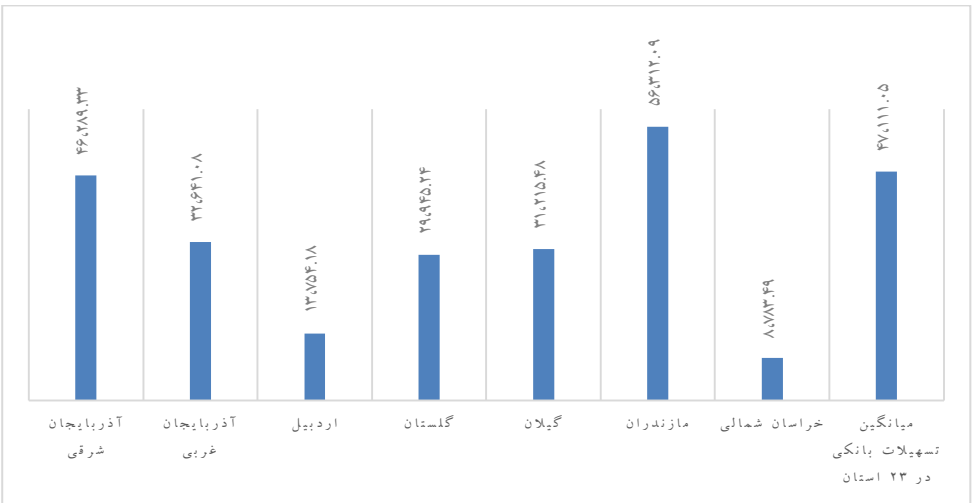

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

نمودار ۲. میانگین مجموع تسهیلات اعطایی بانکی طی ۶ سال

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

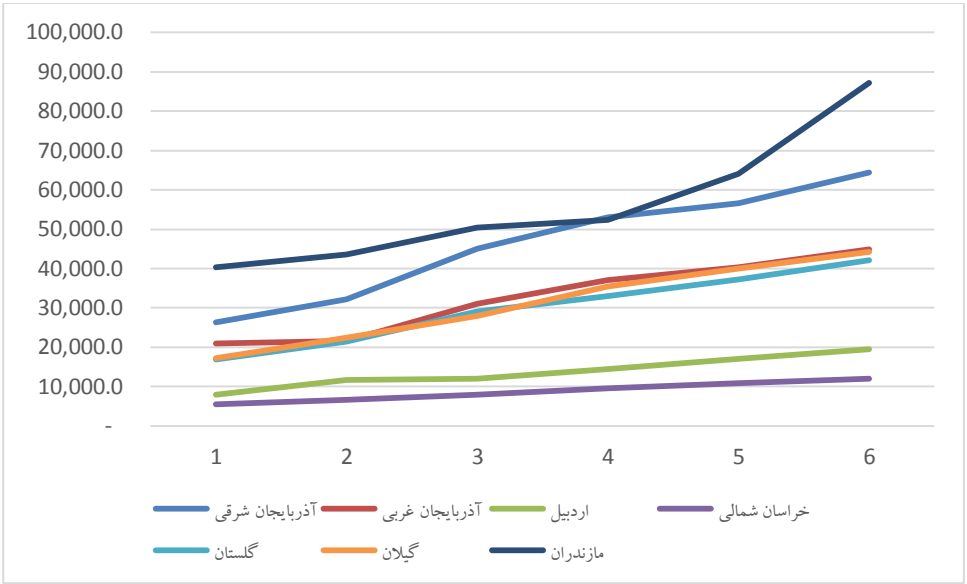

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

نمودار ۳. روند تسهیلات اعطایی بانک‌ها طی ۶ سال

ج. درآمد سرانه خانوار در سطح استانی (هزار ریال)

نمودار ۴، میانگین مجموع درآمد سرانه خانوارها طی ۶ سال را برای ۷ استان نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که استان آذربایجان شرقی و مازندران به ترتیب دارای کمترین و بیشترین میزان درآمد سرانه خانوار استانی در طی بازه زمانی ۱۳۸۷–۱۳۹۲ را داشته‌اند، اما میانگین درآمد سرانه خانوار در ۶ استان (به غیر مازندران)، به نسبت میانگین درآمد سرانه خانوار در ۲۳ استان دیگر پایین است، از طرفی، میانگین درآمد سرانه خانوار این ۷ استان تقریباً در یک دامنه مشخصی (۱۸۱ هزار ریال تا ۲۰۷ هزار ریال) است و دامنه نوسان به نسبت کمی دارد. شایان ذکر است، میانگین درآمد سرانه خانوار استان مازندران در طی این ۶ سال به نسبت استان‌هایی مانند بوشهر، تهران، خوزستان، فارس، قزوین، قم، کهکیلویه و بویر احمد و یزد به‌مراتب کمتر است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

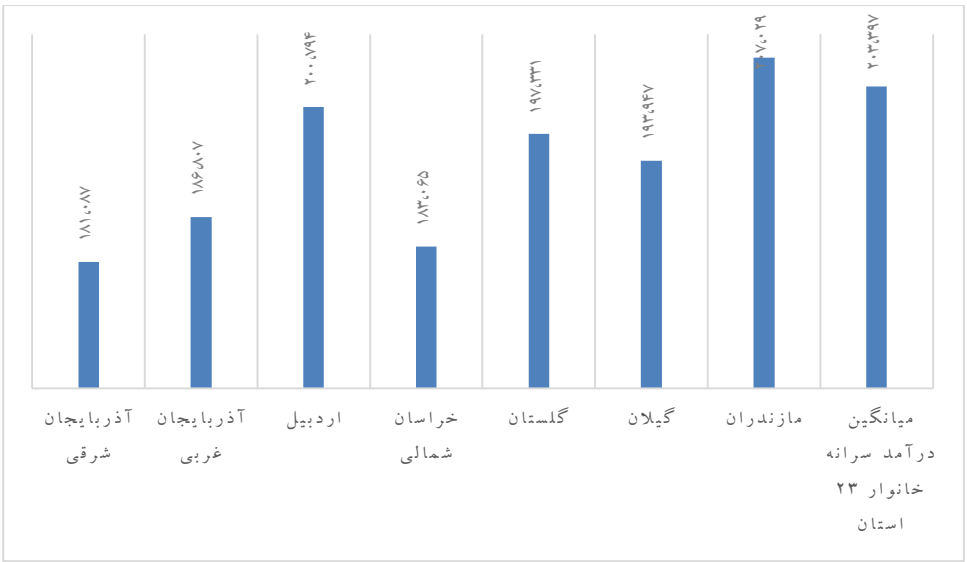

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

نمودار ۴. میانگین مجموع درآمد سرانه خانوارها طی ۶ سال

نکته مهم این است که در صورتی که اقشار کم‌درآمد مخصوصاً روستاییان، نتوانند درآمد مورد نیازشان را تأمین کنند، مهاجرت، تخریب محیط زیست، افزایش جرائم و ... اجتناب‌ناپذیر خواهد بود، به طور کلی برای کسب درآمد، داشتن یک شغل ضروری است و برای کسب شغل نیز امکانات ویژه‌ای لازم است. قبل از اینکه مردم بتوانند کاری را شروع کنند باید سرمایه داشته باشند، وجود سرمایه عامل مهمی است که می‌تواند عوامل دیگر را نیز تهیه کند، پس فراهم ساختن اعتبارات می‌تواند موجب تقویت صنایع کوچک و افزایش اشتغال شود (نادری مهدیی، ۱۳۸۱، ص ۳۶).

٤. برآورد مدل

همان‌طور که اشاره شد، عوامل مؤثر بر ضریب جینی به تفکیک ۷ استان کشور طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ به روش پانل برآورد می‌شود. با کمک این روش تعداد مشاهدات تا حد مطلوب افزایش می‌یابد که بدین ترتیب مشکل کمبود اطلاعات نیز در این مطالعه برطرف می‌شود.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

الف. آزمون‌ها

پیش از تخمین مدل باید مشخص شود که آیا عرض از مبدأ مدل برای مقاطع مختلف مدل (استان‌های در نظر گرفته شده) یکسان است یا متفاوت؟ برای این منظور از آزمونF (آزمون چاو) استفاده می‌شود.

$$F\left(n-1، nt-n-k\right)=\frac{(R_u^2-R_p^2)/(n-1)}{(1-R_u^2)/(nt-n-k)}$$

در رابطه (۲) n تعداد استان‌ها، t طول دوره مورد نظر و k تعداد پارامترها است. علامت u نشان‌دهنده مدل محدود نشده و علامت p نشان‌دهنده مدل پولینگ است.

جدول ۲. آزمون F لیم

مدل	آماره	درجه آزادی	احتمال	نتیجه
۷ استان	۵/۱۹۴۰۵۷	(۳۰،۶)	۰/۰۰۰۹	انتخاب پنل

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

در جدول (۲)، با توجه به خروجی این آزمون، فرضیه صفر مبنی بر مساوی بودن عرض از مبدأ همه استان‌ها رد می‌شود و اثرات گروه پذیرفته می‌شود. پس می‌توان از روش پانل جهت برآورد استفاده کرد.

در جدول (۳)، برای اینکه مشخص شود کدام روش (اثرات ثابت یا تصادفی) جهت برآورد مناسب‌تر است از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. فرضیه صفر در این آزمون به این معنی است که ارتباطی بین جزء اخلال مربوط به عرض از مبدأ و متغیرهای توضیحی وجود ندارد و آن‌ها از یکدیگر مستقل هستند. با توجه به خروجی این آزمون، مدل‌ها باید به‌صورت اثرات ثابت تخمین زده شوند.

جدول ۳. آزمون هاسمن

مدل	آماره کای دو	درجه آزادی	احتمال	نتیجه
۷ استان	۳۰/۷۰۴۵۲۸	۵	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

برای جلوگیری از بروز رگرسیون کاذب قبل از برآورد مدل می‌توان با استفاده از آزمون‌های هم‌جمعی وجود رابطه بلندمدت را بررسی کرد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

در جدول (۴)، آزمون کائو نشان می‌دهد که وجود هم‌جمعی در مدل پذیرفته می‌شود.

جدول ۴. آزمون کائو– ADF

مدل	آماره t	احتمال	نتیجه
۷ استان	-۲/۱۲۶۹۲۱	۰/۰۱۶۷	وجود هم جمعی

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

با استفاده از آزمون لوین، لین و چو می‌توان ایستایی هر یک از داده‌ها را آزمون کرد. فرضیه صفر در این آزمون بیانگر این است که سری زمانی دارای ریشه واحد بوده و فرضیه مخالف ایستایی سری زمانی را نشان می دهد. با توجه به خروجی این آزمون، در جدول (۵)، در مدل ۷ استانی، نتایج آزمون لوین، لین و چو فرضیه وجود ریشه واحد مشترک را رد می‌کنند.

ب. تخمین مدل

جدول (۶)، نتایج تخمین مدل را برای کل جامعه آماری گزارش داده است. اثر رشد تسهیلات خرد اعطایی بانکی در دو سال گذشته معنادار بوده و سبب کاهش در نابرابری درآمدی (کاهش ضریب جینی) می‌شود. اثر نرخ تورم در دو سال گذشته معنادار است و سبب بدتر شدن توزیع درآمد (افزایش ضریب جینی) می‌شود. نرخ اشتغال در سال گذشته معنادار بوده و سبب بهبود توزیع درآمد می‌شود. افزایش رشد سرانه تولید ناخالص داخلی بی‌معنا بوده و نهایتاً با افزایش نرخ رشد درآمد خانوارها با دو وقفه، توزیع درآمد بهتر می‌شود. در تمام مدل‌ها آماره دوربین واتسون حاکی از عدم خودهمبستگی است.

جدول ۵. آزمون لوین، لین و چو

متغیرها	آماره	احتمال
GGINI	-۲/۳۹۰۷۴	۰/۰۰۸۴
INF	-۱۰/۶۳۷۸	۰/۰۰۰۰
GSGDP	-۴/۸۶۲۷۱	۰/۰۰۰۰
EMP	-۳/۹۴۸۳۰	۰/۰۰۰۰
GPCI	-۲/۸۹۳۷۳	۰/۰۰۱۹
GCREDIT	-۱۱/۶۱۷۶	۰/۰۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

جدول ۶. برآورد مدل ۷ استان بر اساس روش اثرات ثابت

متغیر	(احتمال)، ضرایب
GCREDIT(2)	-۰/۰۵۴ (۰/۰۲۲)
INF(2)	۰/۱۲۱ (۰/۰۶۵)
GSGDP	-۰/۰۸۰ (۰/۲۳)
EMP(1)	-۰/۴۹۴ (۰/۰۹۴)
GPCI(2)	-۰/۱۱۷ (۰/۰۱۰)
C	۷۷/۶۰ (۰/۰۰۶)
F	۷/۵۰۹(۰/۰۰۰)
Dw	۲/۳
R^2	۰/۸۳
R^2_{adjust}	۰/۷۲

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

احتمال آماره F حاکی از معناداری کل رگرسیون است و ضریب تعیین نشان‌دهنده آن است که ۸۳ درصد تغییرات ضریب جینی توسط متغیرهای مدل توضیح داده می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج این مطالعات نشان داد که تسهیلات اعطایی خرد بانکی منجر به بهبود توزیع درآمد در استان‌های نوار شمالی کشور می‌شود که این به معنای قبول فرضیه این تحقیق است. از طرفی نرخ تورم سبب افزایش نابرابری توزیع درآمد (افزایش ضریب جینی) و نرخ اشتغال و نرخ رشد درآمد سرانه خانوارها سبب بهبود توزیع درآمد (کاهش ضریب جینی) می‌شود، اما تأثیر نرخ رشد سرانه تولید ناخالص داخلی بی‌معنی ولی در جهت کاهش ضریب جینی است. همچنین اگر فرضیه تحقیق کنونی، مبنی بر اثر مثبت تسهیلات اعطایی خرد بانکی بر بهبود توزیع درآمد را با نتایج مقاله پایه این تحقیق که مربوط به فرهاد ایسرار و علی رحمت (۲۰۱۳) است و در پیشینه تحقیقات به آن پرداخته شد مقایسه کنیم، نتایج انطباق دارند به طور کلی، هرگاه تسهیلات از اهداف خود در ارتباط با فقیران منحرف شوند و حتی کوچک ترین میزان تسهیلات درخواستی از جانب خانوارهای فقیر، نیازمند وثیقه‌های لازم باشند، به میزان کمتری از تسهیلات بانکی دسترسی

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

خواهند داشت و در عوض خانوارهای پردرآمد با سپردن وثیقه‌های لازم از منافع این تسهیلات برخوردار خواهند شد که این مسئله نیز به افزایش شکاف درآمدی بین طبقات کم‌درآمد و پردرآمد جامعه دامن می‌زند و نابرابری توزیع درآمد را افزایش می‌دهد.

با توجه به نتایج تحقیق، می‌توان چنین استدلال کرد که:

۱. اعتبارات خرد در صورتی می‌تواند به کاهش فقر و نابرابری درآمدی بیانجامد که اولاً وضعیت اجتماعی- اقتصادی تمامی گروه‌های درآمدی در کشور شناسایی شوند و ثانیاً این اعتبارات برای ایجاد اشتغال باشد، به عبارتی کاهش فقر از طریق اعطای اعتبارات خرد،فقط از طریق ایجاد اشتغال و برابری فرصت‌های شغلی امکان‌پذیر است و عدم توجه به توزیع مناسب تسهیلات اعتباری در کشور سبب افزایش شکاف طبقاتی در جامعه می‌شود. دوقطبی شدن جامعه قدرت خرید اکثریت جامعه را کاهش می‌دهد و این امر به ضرر شرکت‌های تولیدی است که تولید انبوه دارند و از طرف دیگر چون قسمت قابل توجهی از درآمد ثروتمندان به جای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی صرف خریدهای تجملی و در کل کالاها و خدمات مصرفی (خرید خانه، ویلا، مسافرت ...) می‌شود که این گروه مخارج، مانع سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی و در نتیجه عدم پیشرفت و توسعه اقتصادی اجتماعی در کشور می‌شود.

۲. با توجه به مزایای اقتصادی و موقعیت جغرافیایی استان‌های نوار شمالی کشور از قبیل وجود منطقه آزاد تجاری، نیروی کار ماهر و تحصیل‌کرده و آماده کار و ارزان، برخورداری از تنوع محیطی و اقلیمی، بارندگی مناسب سالانه، منابع آب و خاک مناسب، استقرار در مسیر ترانزیتی کشور با آسیای میانه و ... این استان‌ها نسبت به برخی از استان‌های دیگر (تهران، قم، البرز و...) پتانسیل بیشتری در تحقق آرمان‌ها که رسیدن به اهداف سیاست‌های اقتصادی و حمایتی کشور است، دارند و می‌توان با صرف هزینه کمتر به آرمان‌ها در این استان‌ها جامه عمل پوشاند.

۳. بانک مرکزی تدابیر لازم برای توزیع عادلانه اعتبارات در نظام بانکی را عملیاتی کند.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

منابع

آریانی، فائزه و زهرا علمی (۱۳۹۰). «بررسی اثر توسعه بازارهای مالی بر توزیع درآمد در ایران، اثر توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران». *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*. شماره ۶۹. صص ۱۵۸-۱۳۳.

ابونوری، عباسعلی؛ مفتح، سمیه و هادی پرهیزی (۱۳۸۹). «تجزیه‌وتحلیل اثر تورم بر توزیع درآمد در ایران (تحلیل مقایسه‌ای مناطق شهری و روستایی ایران)». *علوم اقتصادی*. دوره ۵. صص ۹۶-۷۷.

ابونوری، اسماعیل؛ خوشکار، آرش و پدرام داودی (۱۳۸۷). «شاخص‌های اقتصادی و توزیع درآمد در میان کشورهای اسلامی». همایش اقتصاد اسلامی و توسعه. مشهد. دانشگاه فردوسی مشهد- دانشکده علوم اداری و اقتصادی.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. نماگرهای مالی اقتصادی استان‌های کشور (سال‌های مختلف).

بختیاری، صادق (۱۳۸۴). «اعتبارات خرد و کاهش فقر روستایی: ارائه چند تجربه». دانشگاه زاهدان. پنجمین کنفرانس دو سالانه اقتصاد کشاورزی ایران. صص۱۹-۱.

بختیاری، صادق و فاطمه پاسبان (۱۳۸۳). «نقش اعتبارات بانکی در توسعه فرصت‌های شغلی، مطالعه موردی بانک کشاورزی ایران». *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*. (۴۶).صص ۱۰۳-۷۶.

بهبودی، داود؛ شهرکی، مهدی و سیمین قادری (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر پس‌انداز خانوار بر درآمد خانوار و تولید ناخالص داخلی (مدل تعادل عمومی پویا)». *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*. دوره ۱۰. شماره ۳. صص ۱۲۴-۹۷.

پاکروان، الهام (۱۳۹۱). «ایده‌ای بومی اما بین‌المللی: گرامین چگونه مرزها را پشت سر گذاشت؟». *فصلنامه تازه‌های اقتصاد*. (۱۳۵). صص ۱۰۱-۱۰۰.

ازوجی، علی؛ حسن‌زاده، علاءالدین و صالح قویدل (۱۳۸۵). «بررسی آثار اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی». *اقتصاد اسلامی*. سال ششم. صص ۷۰-۴۵.

علیفلی، منصوره (۱۳۹۶). «تأثیر تسهیلات بانکی اعطا شده به بخش کشاورزی بر توزیع درآمد ایران». *مجله علمی پژوهشی تحقیقات اقتصاد کشاورزی*. دوره ۹. (۳۶). صص ۸۴-۶۷.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

حسن‌زاده، علی و مصطفی شهیدی نسب (۱۳۹۱). «رویکردی مرحله‌ای برای استفاده از عقود مشارکتی در تأمین مالی خرد اسلامی، اندیشه مدیریت راهبردی». سال ششم. (۲). صص ۶۲-۳۳.

حسن‌زاده، علی و صالح قویدل (۱۳۸۴). «چالش‌های تأمین مالی خرد روستایی در ایران، مقایسه تطبیقی صندوق‌های قرض‌الحسنه روستایی و گرامین بانک بنگلادش». *اقتصاد کشاورزی و توسعه*. (۴۹). صص ۱۴۱- ۱۶۸.

خاکی، نرگس (۱۳۸۸). «کاهش فقر و تأمین مالی خرد (مطالعه موردی بانک کشاورزی)». *مجله مطالعات مالی*. (۳):. صص ۱۳۶-۱۱۱.

خزاعی، علی (۱۳۷۹).«تضعیف جایگاه بانک کشاورزی در اعتبارات روستایی و چگونگی ایجاد صندوق مشارکت زنان، تعاون، (پیاپی ۲۳۰). صص ۷۱-۶۶.

خیرخواهان، جعفر (۱۳۹۴). *اقتصاد فقیر: بازاندیشی بنیادین در شیوه مبارزه با فقر جهانی*. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

دامن‌کشیده، مرجان و خشایار سید شکری (تیر ۱۳۹۵). «بررسی عوامل مؤثر اقتصادی بر نابرابری درآمدی (شاخص ضریب جینی) در ایران». چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری.

دهمرده، نظر و زینب شکری (۱۳۸۹). «اثرات توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران». *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*. سال ۱۸. شماره ۵۴. صص ۱۶۴-۱۴۷.

سلیمی‌فر، مصطفی و رضا جمشیدی (۱۳۹۲). «بررسی و مقایسه توزیع درآمد خانوارهای شهری و روستایی استان خراسان رضوی و کشور». *نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی*. جلد ۲۷. (۳). صص ۲۶۶-۲۵۳.

کریمی کمال‌آباد، صفورا (۱۳۹۰). «بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سیستم اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی در استان تهران». دانشگاه علوم انسانی پیام نور. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*.

گنجعلی، مجتبی؛ رضایی، زهرا و سمانه افتخاری (۱۳۹۲).« بررسی تأثیر هم‌زمان برخی عوامل بر وضعیت فقر و درآمد خانوار و وضع فعالیت اقتصادی سرپرستان خانوار». *دو فصلنامه اقتصاد پولی، مالی*. سال بیستم. شماره ۶. صص ۱۸۹-۱۷۱.

مرکز آمار ایران. جداول و سری‌های زمانی، حساب‌های ملی سال‌های مختلف.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱). *نقش بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط در اقتصاد هند و آموزه‌هایی برای سیاست‌گذاری در ایران*. (۱۲۴۱۲). صص ۲۹-۱.

محتشمی، غلامرضا؛ یعقوبی اول، مهدی و معصومه نژادعبدالله (۱۳۹۲). «شاخص‌های توزیع درآمد در ایران». *مجله اقتصادی*. سال ۱۳ (پیاپی ۹). صص ۶۴-۴۹.

موسی‌پور، ف؛ تفضلی، فریدون و کامبیز هژبرکیانی (۱۳۹۱). «بررسی تورم در ایران با استفاده از تکنیک همگرایی (۱۳۳۸-۱۳۷۴)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی. دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی.

نادری مهدیی، کریم (سال ۱۳۸۱). اعتبارات، سرمایه و توسعه روستایی، جهاد، (پیاپی ۲۴۸):. صص ۴۱-۳۴.

نیلی، مسعود و علی فرح‌بخش (۱۳۷۷) ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد. *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*. (پیاپی ۱۰). صص ۱۵۴-۱۲۱.

وزارت امور اقتصادی و دارایی کشور. نماگرهای مالی بانکی استان‌های کشور (سال‌های مختلف).

هوشمند، محمود و فائزه قاضی (۱۳۸۷). «بررسی اثرمتقابل توزیع درآمد و رشد در اقتصاد ایران». *مجموعه مقالات نخستین همایش اقتصاد اسلامی و توسعه*. مشهد.

Ahlin, C, Jiang, N. (2008). "Can micro-credit bring development?". *Journal of Development Economics*, Vol. 86(1), pp. 1-21.

Ajaz A. K. (2008), "Islamic Microfinance: Theory, Policy and Practice Published by Islamic Relief Worldwide", United Kingdom.

Blejer, M.I. and I. Guerrero, (1990), "The Impact of Macroeconomic Policies on Income Distribution: An Empirical Study of the Philippines", *Review of Economics and Statistics*, Vol. 72(3), pp. 414-423

Devarajan, s. v, swaroop (1996), "The composition of public expenditure and economic growth", *Journal of Monetary Economics*, Vol. 37 (2-3), pp. 313-344

Israr Fahad & Ali Rehmat (2013), "Impact of macroeconomic policies on poverty alleviation in Pakistan". *Romanian Economic and Business Review*, Vol. 8 (4), pp. 48-60

Robinson, Marguerite (2001). "The Microfinance Revolution, Sustainable finance for the poor", Voices of the Clients, Bangladesh: Managing scarce resources,

Reed, Larry R. and David Beffus (1994), "Transformation Lending: Helping Microenterprise Become Small Business", in Maria Otero and Elisabeth Rhyne (eds)*The New World of Microenterprise Finance* West Hartford, CT: Kumarian Press,

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

Shofi Ullah Mazumder, M & Wencong, Lu, (2013) "micro-credit and poverty reduction: a case of Bangladesh", *University of Economics, Prague Economic Papers*, Vol. 3, pp. 403-417

Thi Giang, Guohua Wang, and Dinh Chien (2015), "How Credit Affects the Poor Household's Expenditure? A Case Study of Vietnam", *Journal of Finance and Economics*, Vol. 3(1), pp. 31- 43

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-06]